

دکتر مهدی صفری: امروزه شاهد این هستیم که قدرت، اقتصاد و تجارت به آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تمایل پیدا کرده است.

سخنرانی



لید توصیفی: دکتر مهدی صفری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه، در نخستین اجلاس بین المللی تغییر نظم بین الملل و ایجاد محور همکاری های اقتصادی برای مقابله با یک جانبه گرایی آمریکا افزود: امروزه شاهد این هستیم که قدرت، اقتصاد و تجارت به آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تمایل پیدا کرده است. تجارت با همسایگان بسیار مهم است و از طرفی کالاهای تولیدی اضافه منطقه نیز باید به کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین صادر شوند. در نتیجه نظم نوین جهانی شکل گرفته، سازمان شانگهای می تواند کانون اصلی آن باشد و بریکس دومین نقطه آن می باشد.

به نظر می‌رسد در حادثه اوکراین، آمریکایی‌ها پیروز میدان هستند، چراکه گاز و اسلحه‌هایشان را به اروپا می‌فروشند و در این راه اروپایی‌ها را تضعیف کرده و مشکلات زیادی برایشان ایجاد کرده‌اند. اروپایی‌ها باید درک کنند که کشور آمریکا اگر منافع خودش مطرح باشد، به روی حقوق هر ملتی پا می‌گذارد.

نظم نوین در قالب شانگهای و بریکس
اما همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند، نظم نوین جهانی به سمت آسیا در حال حرکت است. به خصوص اقتصاد جهانی که به سمت آسیا حرکت کرده است. از جمله سازمان شانگهای که کشورهای عضو در بخش امنیتی، اقتصادی و ترانزیت همکاری‌های مختلفی باهم دارند. امروزه این سازمان از همه لحاظ از جمله جمعیت، قدرت اقتصادی، نظامی و ترانزیتی کانون تجارت در آسیا شده است. این کانون از طرف اروپا و آمریکا به سمت کشورهای آسیایی متمایل شده است و به زودی توسعه بیشتری پیدا خواهد کرد. بعد از جمهوری اسلامی ایران، روسیه و کشورهای زیادی تقاضای وارد شدن به عنوان عضو جدید به این قرارداد شدند.

به یاد داریم زمانی که دبیر کل سازمان شانگهای در سمرقند، این مسئله را مطرح کرد که با آمدن جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو جدید، تحول بزرگی در سازمان شانگهای اتفاق خواهد افتاد؛ چراکه علاوه بر مسئله انرژی، از لحاظ ژئوپلیتیک از خلیج فارس، دریای عمان به سمت شمال دریای خزر، از طریق شرق و غرب یک

دکتر مهدی صفری به این نکته اشاره کردند که در رابطه با روابط دوجانبه ایران و پاکستان، هر دو کشور از گذشته روابط خوب و استراتژیکی داشته‌اند، به خصوص در بخش اقتصادی رشد بسیار خوبی در همه زمینه‌ها ایجاد شده است. در این رابطه یکی از پروژه‌های بسیار مهم پروژه برق گوادر می‌باشد که بزودی افتتاح خواهد شد. در پیشین چند بازارچه مرزی وجود دارد که در حال حاضر در مورد سطوح آن در جهت افتتاح صحبت می‌کنند و امیدواریم آن روابط تجاری که شایسته دو کشور می‌باشد، هر چه زودتر شکل بگیرد.

جنگ سرد ادامه دارد

در رابطه با نظم نوین جهانی که در حال شکل‌گیری می‌باشد، بسیاری اعتقاد دارند که بعد از حادثه اوکراین این اتفاق خواهد افتاد؛ اما به نظر از زمانی که فروپاشی شوروی اتفاق افتاد، جنگ سرد از بین نرفت چراکه هدف آمریکایی‌ها از همان زمان، توسعه ناتو به سمت شرق بوده است. آن‌ها در این راستا تا زمانی که بوریس یلتسن، در روسیه رئیس‌جمهور بود، با سرعت بیشتری پیش رفتند و بعد از آن هم که پوتین روی کار آمد، به نحوی دیگر این توسعه را پیش بردند. همانطور که می‌دانیم قفقاز در جنوب روسیه، منطقه چچن و گرجستان، پاشنه آشیل روس‌ها می‌باشند که آمریکایی‌ها توانستند در آنجا غالب شوند و ناتو را به همسایگی روسیه برسانند. آن‌ها در تلاشند که از طرف اوکراین نیز وارد شده و تقریباً روسیه را محاصره کنند؛ لذا به نظر ما عکس‌العمل روسیه، یک عکس‌العمل طبیعی بود که هر کشوری به منظور دفاع از منافعش صورت می‌دهد. امروزه

پتانسیل‌های جمهوری اسلامی ایران در همکاری با شانگهای و بریکس

بنابراین شاهد این هستیم که قدرت، اقتصاد و تجارت به آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تمایل پیدا کرده است. تجارت با همسایگان بسیار مهم است و از طرفی کالاهای تولیدی بیش از ظرفیت بازارهای منطقه باید به کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین صادر شوند. در نتیجه نظم نوین جهانی شکل گرفته، سازمان شانگهای می‌تواند کانون اصلی آن باشد و بریکس دومین نقطه آن می‌باشد که در حال شکل‌گیری و توسعه است که بیشتر در حوزه اقتصادی فعال است. اما شانگهای سازمانی همه‌جانبه است که شاخه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی، تجاری و هم‌ترانزیتی را در بر می‌گیرد.

ما بعنوان کشورهای عضو بر این باور هستیم که می‌توان استفاده خوبی از شانگهای ببریم و همینطور دیگر کشورهای عضو شانگهای از جمهوری اسلامی ایران به لحاظ انرژی، موقعیت، تکنولوژی سطح بالا و پتانسیل‌هایی که در زمینه‌های مختلف هوایی و اتومبیل‌سازی داریم، استفاده خوبی ببرند. در حال حاضر قراردادهای ماشین‌سازی ما با برخی از کشورها به زودی به سالی ۵۰۰ میلیون الی ۱ میلیارد خواهد رسید. همچنین در بخش صنایع نفتی، بخش پالایشگاه‌سازی، تعمیر پالایشگاه‌ها، پزشکی، تجهیزات پزشکی و داروهای بیوتکنولوژی در سطح بسیار بالایی هستیم و می‌توانیم این پتانسیل‌ها را با کشورهای مختلف به اشتراک

کشوری است دو قاره و شمال و جنوب را کاملاً در بر می‌گیرد و می‌تواند از لحاظ حضوری یک تحول بزرگی به شانگهای به سمت غرب بدهد. بنابراین نظم جدید می‌تواند به سمت آسیا و سازمان‌های منطقه‌ای توسعه یابد.

به نظر می‌رسد شانگهای حتی به سمت کشورهای آفریقایی هم برود. از طرفی بریکس نیز یک سازمان اقتصادی است که خوشبختانه از هر قاره‌ای، یک نماینده دارد. چین، روسیه، هند، آفریقای جنوبی، برزیل عضو این سازمان می‌باشند و ما هم برای عضویت کامل تقاضا داده‌ایم. همانطور که می‌دانیم این سازمان با وجود حضور کشورهای مختلف می‌تواند رقیب بانک جهانی شود. لذا تمایل نظم جدید به سمت آسیا، کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین خواهد بود. در این میان آمریکایی‌ها روز به روز قدرت نفوذ امنیتی، سیاسی، اقتصادیشان ضعیف شده و در نهایت نزول پیدا خواهند کرد.

در حال حاضر چین با تقویت نیروی دریایی خود، این مسئله را نمایان ساخت که قصد دارد در دنیا حضور داشته باشد. همچنین از لحاظ تجاری و اقتصادی نیز در دنیا، اول می‌باشد؛ چراکه آمریکایی‌ها وقتی با کسری مواجه شدند، به پشتوانه صنعت‌شان اقدام به چاپ پول کردند. لذا چینی‌ها با پشتوانه ارزی‌شان، اقتصاد اول دنیا را دارند و بایستی از تجارت، منافع و اموال خودشان در جاهای مختلف حفاظت کنند. به همین جهت استراتژی‌شان را عوض کردند. روسیه، هند و پاکستان هم به همین صورت.



لذا با وجود فشارهای غرب در قالب FATF، باید راهکاری‌هایی را برای حل مسئله پیدا کنیم. به عنوان مثال اگر به علت تحریم‌ها در زمینه نفتی نمی‌توانیم با کشوری در آفریقا یا آمریکای جنوبی همکاری داشته باشیم، می‌توان در قالب کالاهای دیگری مبادله را صورت دهیم. تحریم‌ها در کشور ما اثرات خوبی داشته‌اند و نتایج مثبت زیادی به دست آمده است. این در حالی است که آمریکایی‌ها همواره تلاش می‌کنند که رسیدن به موفقیت‌ها را دور از دسترس جوانان ما نشان دهند؛ اما امروزه شرایط کشور در امکانات، به‌گونه‌ای است که به راحتی می‌توانیم به هر کاری فائق آییم.

در ادامه دکتر صفری در پاسخ به سؤال «پس از تشکیل جنبش عدم تعهد، مجموعه کشورهای مثل روسیه، ونزوئلا، سوریه، کوبا، نیکاراگوئه

گذاریم که این کار برد-برد خواهد بود. در این زمینه نکته اساسی این است که باید در مرزها نیز همکاری‌های علمی، فنی و همکاری شهرک‌های مختلف صنعتی و تولیدات مشترک داشته باشیم. یکی از ایده‌های ما در سفری که در کمیسیون مشترک با پاکستان و عراق داشتیم این بود که روی شهرک‌های صنعتی مشترک منتهی در نزدیکی مرز تمرکز داشته باشیم چراکه سبب تولید و ایجاد شغل برای طرفین می‌شود. در این کانون‌های تولید علاوه بر تأمین طرفین، می‌توان به کشورهای ثالث نیز صادراتی انجام داد. همچنین سال گذشته به پیشنهاد دکتر مخبر شروع به کار در منطقه آزاد اقتصادی خزر کردیم تا کشورهای ساحلی با یکدیگر همکاری‌های منطقه تجاری آزاد داشته باشند.

و ... به لحاظ اقتصادی در تقابل با غرب قرار گرفتند. آیا این امکان به صورت نظری و عملی وجود دارد که یک بلوک اقتصادی از این کشورها تشکیل دهیم و در واقع شرایطی را ایجاد کنیم که نیازهای هر کدام از کشورها بسته به توانمندی های اعضای همین گروه، تامین شود؟ چه چالش ها و چه فرصت هایی ایجاد می شوند و آیا ما می توانیم در یک بازه زمانی کوتاه مدت، این چنین بلوک اقتصادی را شکل دهیم؟» یکی از حاضرین اجلاس، به این مسئله اشاره کرد که:

یک نهاد یا نهضتی وجود دارد که حتی می توانیم آن را کلوپ کشورهای تحریم شده بنامیم که در حال حاضر روی این مسئله کار می کنند و انگیزه ما در سیاست خارجی و همچنین اهداف اقتصادی مان به همین شکل است. ما می توانیم به راحتی بلوکی را تشکیل دهیم و پتانسیل های خودمان را به گونه ای تبادل کنیم. توسعه شانگهای محدودیت مکانی نداشته و لزومی ندارد که اعضای آن فقط از کشورهای آسیایی باشند. البته در بدو شکل گیری سازمان، سیاست برخی کشورها، به این صورت بود که اگر کشور □ را عضو کنند، نشان می دهد که شانگهای می خواهد مقابل غرب بایستد. اما الحمله یک حوادثی رخ داد که این روند تغییر کرد. در حال حاضر شانگهای سازمانی نیست که علیه سازمان دیگری باشد، بلکه سازمانی است که تلاش می کند مسائل مربوط به خود را در تمام زمینه ها حل کند.

در ادامه دکتر صفری در پی سؤال دکتر خوش چشم مبنی بر اینکه «آیا فکر نمی کنید سرعت باشگاه تحریمی ها در انجام این اقدامات، پس از پانزده سالی صحبت آن بوده بسیار کم است؟ امروزه ۲۷-۲۸ کشور دنیا به صورت موردی یا کلی تحریم هستند، این در حالی است که همه این ها می توانند با یکدیگر تبادلات بسیار زیادی داشته باشند و به یکدیگر کمک کنند، اما در طول این سال ها از این کشورها، تحرکات کمی را دیده ایم. شاید یکی از دلایل موفقیت آمریکا و تمدن غرب در فرسایش و تضعیف رقبا این است که این کشورها پراکنده، مجزا یا تاکتیکی سعی در مقاومت دارند. نکته دیگر این است که سال ها است منتظر هستیم که کشورمان صرفاً از واکنش نشان دادن، به کنش گری برسد؛ یعنی قبل از اینکه ما را تحریم کنند، به دنبال راه حل های جایگزین باشیم. ما در توسعه روابط باید چنان کنش گر شویم که همانند حوزه سخت منطقه ای، نظامی، موشکی و پهبادی پیشرفت های زیادی بدست آوریم و بازدارندگی ایجاد کنیم. این نکته به نظر می رسد یکی از حلقه های مفقوده در سطح حکمرانی ما باشد.» پاسخ داد:

نکته این است که حدود ده سال گذشته امکان ساخت نیروگاه یا تعمیر اساسی موتور هواپیما را نداشتیم. از طرفی چندین سال است که اکو شکل گرفته و بیشتر اقتصادی است. بنیان گذاران آن نیز ترکیه، ایران و پاکستان بوده اند اما بهره لازم را نبرده ایم. در حال حاضر حتی ارتباطات بیمه ای، صدور خدمات مهندسی و سایر موارد، فقط روی

کاغذ بوده است. برای حل این مسئله بارها اشاره کرده‌ایم که تصمیمات نباید دولتی باشند، بلکه سیاست‌ها می‌بایست حاکمیتی باشند. در حال حاضر سیاست‌های یک دولت با دولت دیگر متفاوت است. ولی اگر سیاست‌های ما حاکمیتی باشند، اجرای آن‌ها می‌تواند ادامه داشته باشد. حال مقام معظم رهبری یا شورای عالی امنیتی ملی، یک مرجع کلانی باید تصمیم‌گیری کند. در این زمینه باید همکاری‌های چندجانبه ایجاد شود. مثلاً با چند کشور از جمله کشورهای آمریکای لاتین برای ساخت چند نیروگاه در آنجا اقدام نماییم. در حقیقت این موضوع با منابع پولی و مالی کشورهای دیگر و با مهندسی و پتانسیل‌های کشور ما در حال شکل‌گیری است. در حال حاضر ما با کشور پاکستان هم که عضو او می‌باشد، همکاری دو جانبه اقتصادی می‌کنیم، اما متأسفانه هنوز همکاری چند جانبه میسر نشده است. امروزه ما در بخش تکنولوژی، IT، نانو و بایو پیشرفت‌های شگرفی داشته‌ایم؛ دلیلش آن است طی پانزده سال اخیر، مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های سال نو، یکی از فاکتورهایی که تأکید می‌کنند، همین مسئله می‌باشد و امسال هم می‌بینیم که تبدیل به شاخص شده و به بلوغ رسیده است.

در ادامه پاسخ‌دهی به سؤالات، دکتر صفری در پاسخ به سؤال دکتر حلال خور «با توجه به اینکه در سیاست‌های جهانی، شاهد افزایش تنش میان آمریکا و چین هستیم و یکی از مهم‌ترین مناطقی که برای چین در تأمین انرژی حائز اهمیت است،

منطقه غرب آسیا است؛ سؤال ما این است که چه اندازه این افق نگاه در چین وجود دارد که ایران می‌تواند یک شریک راهبردی، معمولی یا استراتژیک برای چین باشد و چه اندازه چین می‌تواند به سایر کشورهای منطقه غرب آسیا (با در نظر گرفتن این‌که خود چینی‌ها خود را شریک راهبردی یا حتی استراتژیک آمریکا تلقی می‌کنند) نکته دیگری که وجود دارد این است که شاید بخشی از جامعه ایران، رفتار کشور چین را بیشتر هم سو و همراه با سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا تصور کند تا هم سو یا نزدیک به سیاست ایران. چقدر افق همکاری با چین برای ما متصور است؟» این نکته را مطرح ساخت: حدود ۱۵ سال است که می‌توانستیم شریک استراتژیک چین شویم. تقریباً ۱۰-۱۲ سالی است که شی جین‌پینگ این مسئله را بیان کرد که ما رابطه استراتژیکی با ایران داریم. فاکتورهای مختلفی دخیل هستند؛ یکی از آنها، امنیت انرژی خلیج فارس در منطقه می‌باشد. به هر حال کشوری که ۲۰۰۰ کیلومتر مرز دارد، در بحث امنیت بسیار مؤثر است و البته در واقعیت نیز شاهد بوده‌اند که امنیت را حفظ کرده‌ایم؛ بعنوان مثال در مورد کشتی چینی که به وسیله دزدان دریایی سومالی دزدیده شد، چینی‌ها این مسئله را دیدند که حدود ۴۸ ساعت آن را نجات دادیم. انرژی یکی از فاکتورهای دیگر است که می‌تواند به عنوان یک فاکتور هم سو برای شریک استراتژیک باشد. دوم، مسائل امنیتی در داخل کشور چین است. جمهوری اسلامی ایران، همیشه کشوری بوده است که چین

می‌گیرد و کشور ثالثی وجود نخواهد داشت. ندارد که تصمیم بگیرد نفت بدهد یا ندهد. به همین دلیل تأکید کردیم که تصمیمات باید حاکمیتی باشند و مقام معظم رهبری همیشه روی روابط با کشورهای همسایه به خصوص همکاری با پاکستان، هند، چین، روسیه، آفریقا و سایر کشورها تأکید می‌کنند. اما اگر یک وزیر در دولتی در مورد پروژه خاصی تصمیمی بگیرد و استراتژی را تغییر دهد، همزمان کشور مقابل تصور می‌کند که سیاست‌های کلی ما نسبت به آن کشور عوض شده است. در صورتی که اینطور نیست و این بعنوان مثال صرفاً تصمیم معاون وزیر است که در کل اشتباه است. بنابراین در این سفر بسیار مهم شریک هستیم که از لحاظ شکلی بسیار عالی بوده است. از لحاظ محتوایی نیز ۲۰ سند امضا شد و تأکید طرفین بر تمامیت ارزی دو کشور و پارتنر به عنوان شریک استراتژیک است.

یکپارچه را حمایت کرده است. زمانی که هنوز هوپیمای خانم پلوسی در تایوان ننشسته بود، جمهوری اسلامی ایران موضع خاص خودش را گرفت و موضع بسیار درستی بود.

کشور ما در غرب چین با پانزده کشور همسایه است و فاکتورهای مناسبی برای مسائل اقتصادی دارد. از طرفی حدود ۸۵ میلیون نفر جمعیت دارد، و با وجود منابع انرژی سرشار، می‌تواند کانون مسائل اقتصادی منطقه باشد. این نکته را هم باید درک کنیم، وقتی چین حدود شش و نیم میلیون بشکه نفت را از منطقه خارج می‌کند، کشورهای دیگر این منطقه نیز برایش اهمیت می‌یابند، یعنی باید با آنها هم همکاری داشته باشد. هر کشوری منافع خودش را در کنار منافع دیگری در نظر می‌گیرد. در اینجا تأکید می‌کنیم که سیاست‌های چین نسبت به جمهوری اسلامی ایران هیچ تغییری نکرده است، در دیدار اخیر، هر دو رئیس‌جمهور بر ضرورت همکاری‌های استراتژیک تأکید فرمودند و در مورد زمینه‌های مختلف امنیتی، اقتصادی و ترانزیتی نیز صحبت شد.

در حال حاضر، چین سالیانه ۵۰۰ میلیارد یورو به آمریکا و ۴۶۰ میلیارد یورو به اروپا صادر می‌کند. لذا به منظور حفظ این بازار قوی، می‌خواهد با تمام دنیا تعامل داشته باشد. اما شریک‌های استراتژیک خودش را هم دارد و چین می‌داند که سیاست جمهوری اسلامی ایران، سیاست مستقلی است؛ یعنی اگر یک قرارداد نفتی با ما ببندد، فقط خود جمهوری اسلامی ایران تصمیم